

نقش امام موسی صدر در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی ایران

سید عبداللّه هاشمی^۱ و محمد آگاه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵

چکیده

نقش‌های افراد برجسته در موفقیت پدیده‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر بوده است. اهمیت این نقش‌ها کم و بیش متأثر از علائق مذهبی، هنجارها، ارزش‌ها، محیط و توانایی در ایجاد ارتباط می‌باشد. در فرآیند انقلاب اسلامی، افراد مهمی نقش مؤثر داشته‌اند؛ که در رأس همه، امام خمینی رهبر انقلاب بوده است. در کنار این رهبری، افرادی برجسته که به لحاظ مذهبی در جهت فکری انقلاب قرار داشته‌اند به انحاء مختلف نقش ایفا کرده‌اند. یکی از اینان امام موسی صدر است که کمتر به اهمیت حضور و نقش وی توجه شده است. وی با استفاده از موقعیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خویش توانست در برخی جهات از قبیل ایجاد ارتباط با افراد صاحب نفوذ در سطح منطقه‌ای و جهانی و هموارسازی راه برای فعالیت انقلابی امام خمینی رحمه الله علیه، زمینه‌های تداوم حرکت انقلاب را فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر در صدد است تا با برجسته سازی این نقش با یک رویکرد تاریخی، به تحلیل یکی از عوامل مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی بپردازد.

کلید واژه‌ها: امام موسی صدر، امام خمینی رحمه الله علیه، انقلاب اسلامی ایران، نقش.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): هاشمی، عبداللّه و محمد آگاه (۱۳۹۸، تابستان). «نقش امام موسی صدر در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی ایران». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال دوم، شماره دوم، صص ۲۱۱-۲۳۲.

^۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، Hashemi.ebad@yahoo.com

^۲. عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، Agah.mohammad@yahoo.com

۱. مقدمه

انقلاب ایران یکی از تحولات شگرف و تأثیرگذار نیمه دوم پایان قرن ۲۰ بود که بر پایه اندیشه های ایدئولوژیک تحقق یافت. در شکل گیری انقلاب ایران، نقش افراد مختلف در دهه‌های قبل از پیروزی انقلاب بی‌تأثیر نبوده است. این افراد با تلاش‌های خود در سازماندهی و حرکت انقلاب تأثیرگذار بوده‌اند؛ از جمله این افراد امام موسی صدر است. وی تلاش‌های زیادی در جهت شکل‌گیری انقلاب ایران داشته است. امام موسی صدر با بینشی که داشت، تلاش می‌کرد تا بین انقلابیون حتی در جریانات مخالف فکری خود وحدت ایجاد کند و یک برآیند فکری هم‌سو و منسجم را میان رهبران آزادی‌خواه جهان به‌وجود آورد. در این پژوهش، فعالیت و نقش امام موسی صدر در روایدهای مربوط به انقلاب ایران، از منظر همراهان وی، مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲. چارچوب مفهومی

فعالیت افراد در فرآیندهای اجتماعی براساس یک سری معیارها، ارزش‌ها، هنجارها، و افکار و انگیزه‌ها انجام می‌شود. فعالیت‌های هدفمند انسان می‌تواند به‌عنوان نقش فردی تعبیر شود. نقش‌ها گاه در قالب پدر، معلم یا رهبر مذهبی نمایان می‌گردد. از نظر بیدل، نقش عبارت از ویژگی‌های رفتاری یک شخص یا اشخاص در یک زمینه است (Thorolfur Thorlindsson, 2210.p,1982). در واقع، انسان‌ها براساس روش‌های مختلف بر حسب هویت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی‌شان رفتار خود را تنظیم می‌کنند، درست مثل بازیگران تئاتر که هر یک نقش خاص خود را ایفا می‌کنند (B.J.Biddle, p.68).

نقش رهبر مذهبی مبتنی بر یکسری تعالیم و ارزش‌های مذهبی است که یک هدف متعالی را دنبال می‌کند. در هر مذهبی، رهبران تلاش دارند تا با رهنمون‌های مذهبی، جامعه و مردم را در جهت پیشبرد اهداف مذهبی هدایت کنند. در کنار این‌گونه نقش‌ها، تعاملات، تضادها و کنش و واکنش‌های اجتماعی در موفقیت یا ناکامی نقش‌ها دخالت دارند. بنابراین، نقشی که افراد در رسیدن به اهدافشان دنبال می‌کنند، بی‌ارتباط با میزان تأثیرگذاری آن نیست. برای تأثیرگذاری یک نقش در یک سیستم اجتماعی، سه عامل را باید در نظر داشت. این سه عامل عبارتند از: منابع، مهارت‌ها و انگیزه‌ها (دال و بریکنر، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۲). منابع می‌تواند به هر نوع ابزاری تلقی شود که فرد بازیگر برای رسیدن به هدفش از آن استفاده می‌کند. در کنار این ابزارها، پختگی و تجربیات فرد بازیگر نیز حائز اهمیت است و بالاخره، انگیزه‌ی فرد نیز مهم است. آیا انگیزه، استعلائی یا شخصی و فردی است. به عبارت دیگر، آن‌طور که کانت می‌گوید، آیا انگیزه معطوف به خیر مطلق یا خیر مشروط است.

یوگل نقش‌ها را در چهار مقوله تقسیم‌بندی می‌کند. اول نقش‌های با جهت‌گیری تکلیفی که شامل طرح‌ریزی، روشن‌سازی، کنترل و حل مشکلات می‌شود. دوم نقش‌های با جهت‌گیری ارتباطی از قبیل حمایت کردن، شناسایی کردن، توسعه بخشیدن و تقویت کردن. سوم، نقش‌های با جهت‌گیری تغییر، حمایت نمودن از تغییر، تجسم تغییر، تشویق به ابداع، و بالاخره، نقش‌های با جهت‌گیری برونی که شامل برقراری تماس با دیگران یا شبکه‌سازی، مدیریت بیرونی و نمایندگی کردن (Yukl, p.84).

در این تحقیق، با استفاده از مفاهیمی که بیان شد و با رویکرد تاریخی، به جهت گردآوری داده‌ها، نقش امام موسی صدر در انقلاب اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بنابراین، برای بررسی نقش امام موسی صدر در انقلاب اسلامی، ضمن توجه به سطح‌های فوق‌الذکر به ابزارها و منابع مورد استفاده‌ی وی مثل؛ رسانه‌ها، پیام‌رسانی، دیدار با گروه‌ها و شخصیت‌ها، مصاحبه و چانه‌زنی اشاره خواهد شد. نمودار زیر چارچوب مفهومی این مقاله را پوشش می‌دهد:



۳. امام صدر و انقلاب ایران

می‌توان سال ۱۳۴۲ را آغاز حرکت امام خمینی رحمه الله علیه و فعالیت‌های سیاسی وی در جهت مخالفت با محمدرضا پهلوی، شاه ایران دانست. حرکتی که نقطه آغازین آن ۱۳۴۲ بود در بهمن ماه ۱۳۵۷ به انقلاب منتهی شد در این فاصله، وی دستگیر، زندان و تبعید شد و مریدان و حامیانی نیز گرد وی جمع شدند. عده‌ای از این حامیان و مریدان به صورت علنی فعالیت و عده‌ای نیز به صورت مخفی حمایت خود را اعلام می‌کردند. از جمله افرادی که به صورت مخفی از حرکت امام خمینی حمایت می‌کرد، امام موسی صدر بود. البته در مورد این که امام صدر از این حرکت حمایت رحمه الله علیه نموده است، نظرات مخالف و عکسی نیز داده شده است؛ ولی بنا به اسناد، گفته‌ها و خاطراتی که به دست آمده، می‌توان وی را از زمره‌ی حامیان امام خمینی رحمه الله علیه و حرکت وی دانست. به همین دلیل به مواردی از حمایت امام صدر نسبت به امام خمینی رحمه الله علیه اشاراتی می‌شود. نقش امام در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و در هر کدام از این سطوح از طرق رسانه و دیدار، گفتگو و سخنرانی، فعالیت‌های خود را در راستای حمایت از حرکت امام خمینی رحمه الله علیه به پیش برد.

۴. نقش امام موسی صدر در سطح منطقه‌ای:

امام موسی در سطح منطقه‌ای نقش موثری ایفا کرده بود. وی سعی و تلاش داشت که ضمن معرفی انقلاب اسلامی در منطقه، با ایجاد ارتباط، مقابل فشارهایی از سوی حکومت وقت ایران بر رهبران انقلاب، نقش بازدارنده داشته باشد. این نقش می‌توانست فعالیت رهبران انقلاب اسلامی را تداوم بخشد و مقابله رژیم با آنان را تضعیف کند. امام موسی صدر برای نقش مؤثر خود، از ابزارهایی مثل رسانه، مصاحبه، گفتگو و نامه‌نگاری استفاده می‌کرد تا از این راه ارتباطات خود را گسترش دهد. گسترش ارتباطات یکی از راه‌های مهم تأثیرگذاری است. مصاحبه ابزاری مناسب برای بیان ایده‌ها و ارتباط با مردم جامعه و دولت‌هاست. امام موسی صدر بخوبی از این ابزار برای این‌گونه ارتباطات استفاده می‌نمود.

۴-۱. مصاحبه امام صدر با روزنامه لبنانی المحرر

امام موسی صدر، ۵ ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با روزنامه لبنانی المحرر که یک روزنامه مشهور سیاسی می‌باشد، مصاحبه کرد. هدف وی از این مصاحبه، معرفی شخصیت امام خمینی رحمه الله علیه و تأکید بر رهبری وی بود. در این مصاحبه، صدر حکومت وقت ایران را ناشایست و نالایق می‌شناساند و مدعی است که روحانیت ایران حاضر به همکاری با چنین حکومتی

نیست. از نظر وی روحانیون ایران قائل به این اصلند که باید حاکمان تابع روحانیون باشند، نه بالعکس. وی در این مورد می‌گوید:

«اگر عالمان دین را در دربار حاکمان یافتید، بدانید که بد عالمان و بد حاکمانی دارید و اگر حاکمان را در درگاه منازل عالمان یافتید، بدانید که خوب عالمان و خوب حاکمانی دارید» (صدر، ۱۳۸۷: ۲۱-۱۹).

نکته‌ی دیگری که در این مصاحبه قابل توجه است، بیان ماهیت روحانیت است. از نظر صدر، مردم پایگاه اصلی روحانیون هستند و آن‌ها در مردم نفوذ دارند. البته ناگفته نماند که خصلت روحانیون شیعه همواره در طول تاریخ این چنین بوده است؛ چنان که قبلاً سیدجمال‌الدین اسدآبادی به این موضوع اشاره کرده بود. براساس اصل و ماهیت فوق، صدر یک نوع روحیه استبداد ستیزی و مبارزه با ظلم را در روحانیت شیعه مشاهده می‌کرد و آن را می‌ستود و در این روزنامه سعی می‌کند که این ویژگی را برای مسلمانان عرب و جهان غرب معرفی کند، چنان که می‌گوید:

«روحانیت ایران نفوذ زیادی در میان مردم دارد و تا آن جایی که در توانش هست با ظلم، جور، استبداد و تجاوز حاکمان مبارزه می‌کند»

سپس صدر این روحیه ظلم ستیزی و ارتباط مستدام با مردم را در امام خمینی رحمه الله علیه می‌یابد و می‌گوید:

«در همین سال‌های اخیر، قاطبه علمای ایران در رأس آن‌ها امام خمینی رحمه الله علیه، مبارزات شدیدی را برای اصلاح اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور برپا کردند؛ بسیاری از آن‌ها به زندان افتادند و امام خمینی رحمه الله علیه نیز به نجف اشرف در عراق تبعید گردید» (صدر، همان).

مصاحبه مؤثر صدر چنان بود که گویی وی آتش انقلاب ایران را برافروخته است. به همین جهت روزنامه‌ی محرر تیترو خود را با عنوان:

«الصدر يطلق النار علی الحکم الايراني»؛ یعنی، «صدر حکومت ایران را زیر آتش گرفته است»، برگزیده بود (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۲ / ۴۳۴). در این مصاحبه امام صدر با وجود این که امام خمینی رحمه الله علیه حتی توسط نزدیک‌ترین یاران، آیت الله یا آقاخوانده می‌شدند، وی را امام نامید. آن هم در روزنامه‌ای عرب زبان و در کشوری آزاد مانند لبنان که مورد توجه عرب‌زبانان دنیا بوده است. امام صدر در جواب سئوالی راجع به این که در مورد موضوع روحانیت ایران در برابر حکومت فعلی چه نظری دارید؟ پاسخ می‌دهد: «روحانیت ایران مدت بسیار مدیدی است که از همراهی و تأیید حاکمان خودداری می‌ورزند».

۴-۲. نامه‌نگاری بین امام صدر و امام خمینی رحمه الله علیه

گویا نامه‌نگاری‌هایی نیز بین امام موسی صدر و امام خمینی رحمه الله علیه صورت می‌پذیرفته است در این خصوص حسین حجازی از نزدیکان امام صدر اظهار می‌دارد:

«... به خاطر دارم که مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی، هم در دمشق و هم در لبنان به دیدن آقا رسیده بود. یادم هست که همیشه لباس مندرسی به تن داشت. ظاهراً تعمداً به وضع ظاهری خود نمی‌رسید. چندین بار نامه‌هایی را بین آقا و او رد و بدل کرد. احساسم این بود که آقا این نامه‌ها را برای امام خمینی رحمه الله علیه ارسال کرده است. یکی دیگر از افرادی که مرتباً با آقا تماس داشت، مرحوم آقا مهدی گلپایگانی بود. او رابط بین آقا و مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی در ایران بود. آقا همواره می‌گفت: امام خمینی رحمه الله علیه استاد من و همه علمای مبارز ایران است. اوست که انقلاب اسلامی را رهبری می‌کند. تنها اوست که می‌تواند رژیم شاه را سرنگون سازد» (به نقل از کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۱ / ۲۶۰ و ۲۶۱).

و هم‌چنین آیت الله العظمی محلاتی شیرازی بیان می‌کند:

«... یکی از نامه‌های آقا موسی به امام رحمه الله علیه را من خودم خدمت امام رحمه الله علیه بردم. در یکی از سفرهای حج برای رمی جمره رفته بودن که دیدم ماشینی پشت سرم بوق می‌زند! یک دادی زدم که چکار می‌کنید؟ دیدم دستی از پنجره بیرون آمد و گفت: داد نزد؛ شلوغ نکن و بیا بالا! آقا موسی بود ... وقتی می‌خواستم از حج برگردم، گفت یک نامه‌ای می‌نویسم تا خدمت امام خمینی رحمه الله علیه بدهید! یک لبنانی برای حاجتی ۱۰۰ هزار لیزه نذر کرده است تا خدمت امام رحمه الله علیه بدهد. اکنون حاجت برآورده شده است. نامه‌ی آقای موسی به امام رحمه الله علیه این طور شروع شده بود: «استادا! بزرگوارا! گرامیا!» بعد از دست بوسی و اظهار ارادت، شرح موقوف را نوشته و گفته بود: «حاجت برآورده شده است. اگر از این مبلغ ۵۰ هزار لیزه‌اش را بگذارید، من برای خیریه این‌جا لازم دارم!» من نامه را آوردم و خدمات امام رحمه الله علیه دادم. امام رحمه الله علیه از من پرسید حالش چه طور بود؟ گفتم الحمدالله خوب بود! امام رحمه الله علیه با تقاضای آقای موسی موافقت کردند. چون بعداً تلفنی از آقا موسی پرسیدم که آیا ۵۰ هزار لیر رسید؟ و او گفت بله، برکات نازل گردید» (به نقل از کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۲ / ۷۰ و ۷۱).

آیت الله سیدمرتضی مستجابی نیز اظهار می‌دارد:

«... یادم هست که در یکی از نامه‌های خود [امام صدر] به حضرت امام رحمه الله علیه، مطلبی بدین مضمون نوشته بود: برخی از ارادتمندان شما که از کشور خودشان آواره هستند و بعضی‌شان در عراق هم مشکلاتی دارند، به لبنان آمده‌اند، با آغوش باز از آن‌ها پذیرایی می‌کنیم و حتی دست بعضی از آن‌ها را می‌بوسیم. ما فعلاً پناه مخلصین حضرتعالی از اقطار عالم قرار گرفته‌ایم و آن‌ها در کمال امنیت هستند. روزنامه‌های کثیرالانتشار در اختیارشان است تا آراء و افکار شمار را به‌خوبی که خودتان و خودشان صلاح می‌دانند، منتشر کنند. یکی از رابطین امام موسی و امام

خمینی ^{رحمه الله علیه} دکتر صادق طباطبایی بودند» (به نقل از کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۲: ۱۰۰)

در اسناد ساواک نیز در خصوص ارتباط بین امام صدر و امام خمینی ^{رحمه الله علیه} آمده است:

« نامبرده [امام موسی صدر] مبلغ ۱۸۰۰۰ لیره لبنانی توسط شیخ حسن حریری جهت [امام] خمینی به عراق فرستاده است که دولت عراق و مأمورین آن کشور از جریان اطلاع داشته‌اند. لذا پس از تحویل پول به [امام] خمینی، شیخ حسن حریری در فرودگاه بغداد به هنگام خروج توسط مأمورین عراقی دستگیر می‌شود. نظریه منبع: علت دستگیری نامبرده ناراحتی دولت عراق از موسی صدر بوده به خاطر مخالفت‌های وی با دولت عراق و بدین وسیله خواسته‌اند که ضربه‌ای به موسی صدر زنده باشند ... » (مرکز بررسی اسناد تاریخ، ۱۳۷۹: ج ۱: ۳۸۰).

۴-۳. نگارش مقاله «ندا انبیاء» توسط امام صدر

یکی دیگر از کارهای امام موسی صدر، نگارش مقاله بود. امام موسی صدر با نگارش مقاله‌ای برای روزنامه لوموند قصد داشت وقوع انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی ^{رحمه الله علیه} را برای جهانیان معرفی کند. برگزیدن نام ندای انبیاء برای این مقاله دارای یک مفهوم تاریخی و ماهیتی است که امام موسی صدر آگاهانه دنبال می‌کند. در مقاله‌ی مذکور امام خمینی ^{رحمه الله علیه} با عنوان "الامام الاکبر" توصیف می‌شود تا از همان ابتدا رهبریت بلامنازع وی را یادآوری کند. صدر حرکت انقلاب اسلامی ایران را هم‌چون حرکت انبیاء می‌داند که دارای اهداف معنوی و انسانی است و از عنصر "رهایی بخشی" برخوردار است. در این مقاله آمده است که:

«... موجی که امروز ایران را در می‌نوردد، پیش از هر چیز ندای پیامبران را در اذهان ما زنده می‌کند. اهداف حرکت در مصاحبه‌ی رهبر مخالفین، الامام الاکبر الخمینی با روزنامه‌ی لوموند (۶ مه ۱۹۷۸) به وضوح بیان شده است. این اهداف بیانگر اصالت حرکت و ابعاد قوی، فرهنگی و رهایی بخش آن هست» (بی نا، ۱۳۷۸: ۲۶).

هم‌چنین، صدر ضمن نشان دادن روح استقلال‌طلبانه‌ی انقلاب، ویژگی آن‌را رهایی از قدرت‌های شرق و غرب برمی‌شمارد و نجات ایران از این قدرت‌ها و نظام سلطنتی را در گرو این انقلاب می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۲: ج ۱ / ۳۳۴). به هر حال، مقاله مذکور که در تاریخ ۱۳۵۷/۶/۱ در روزنامه لوموند به چاپ رسید، سر و صدای زیادی به پا کرد. امام موسی صدر مقاله‌ی خود را تماماً به انقلاب ایران اختصاص داده بود.

۴-۴. درخواست تأسیس ایستگاه رادیویی توسط امام صدر جهت ایراد اخبار مسائل انقلاب ایران

تلاش برای ایجاد ارتباط با مسلمانان از طریق فعالیت در ایستگاه رادیویی از جمله کارهایی بود که امام موسی صدر پیگیری می‌کرد. هدف وی این بود که از طریق چنین ایستگاهی، اخبار انقلاب اسلامی را نشر دهد. برای این کار، وی از قذافی، رئیس جمهور وقت لیبی، درخواست نمود تا به انقلابیون ایران اجازه داده شود تا به مدت ۲ ساعت از ایستگاه رادیویی آن‌جا استفاده کند، هر چند وی برای این کار تلاش نمود، اما در نهایت موفق نشد (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به اباذری، ۱۳۸۱: ۲۱۴ و ۲۱۵). در این خصوص آقای طباطبایی در کتاب خاطرات خود می‌گوید:

«هدف ما این بود که به لیبی برویم و از قذافی برای پخش روزی دو ساعت برنامه رادیویی برای ایران امکانات بگیریم ... روز شانزدهم، هفدهم بود که دایی جان [امام موسی صدر] به من اطلاع دادند سفر ما یک هفته به تعویق می‌افتد. با دانشگاه تماس گرفتم دیدم نمی‌توانم بیش‌تر این مرخصی بگیرم. لذا به آقای صدر اطلاع دادم که امکان همراهی من وجود ندارد ...» (طباطبایی، ۱۳۹۲: ج ۲ / ۲۲۴ و ۲۲۵).

۴-۵. کسب اطلاعات و تغذیه اطلاعاتی امام خمینی و بزرگان انقلاب در نجف و ایران

یکی دیگر از فعالیت‌هایی که امام موسی صدر دنبال می‌کرد، کسب اطلاعات از سیاست‌های رژیم شاه از طریق ارتباط با دولت سوریه بود. در آن هنگام به دلیل ارتباطی که با رژیم ایران داشت، از سیاست‌های رژیم پهلوی با خبر می‌شد و آن‌ها را در اختیار امام خمینی رحمه الله علیه قرار می‌داد. در آن زمان، امام موسی صدر، ارتباط نزدیکی با رئیس جمهور وقت سوریه، حافظ اسد، داشت. این امر کمک می‌کرد تا با توجه به دوستی شاه و اسد و روابط ایران و سوریه در زمینه‌های امنیتی، اطلاعاتی مفید در دسترس امام موسی صدر قرار گیرد و امام صدر از برنامه‌های سیاسی شاه باخبر شود و از این طریق، امام موسی صدر، امام خمینی رحمه الله علیه و همراهان وی را در جریان این سیاست‌ها می‌گذاشت (اباذری، ۱۳۸۱: ۲۰۱).

۴-۶. سخنرانی امام صدر در حمایت از انقلاب ایران در شیراز

سخنرانی شیوه‌ی ارتباط مستقیم و رو در روی با مردم است. در دوره‌ای که امام خمینی رحمه الله علیه از ایران تبعید شده و نگرانی از آن بود که تدام انقلاب و شور و هیجان روند انقلاب کاهش یابد و ضعیف شود، امام موسی صدر با ایراد سخنرانی تلاش می‌کرد تا خلاء بوجود آمده را پر کند. وی

می‌توانست با سخنرانی خود نقطه‌ی عطفی برای حوادث قبل از سال‌های ۴۴ باشد که سرکوب شده بود. بدین منظور، امام موسی صدر در مهرماه ۱۳۴۴ در مسجد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شیراز به سخنرانی پرداخت. وی در این سخنرانی، مردم را به دفاع از اسلام و روحانیون و ظلم ستیزی فرا خواند (ابادری، ۱۳۸۱: ۱۹۴-۱۹۶). لازم به یادآوری است که امام موسی صدر توسط آیت الله مجتهدین محلاتی به شیراز دعوت شده بود. مجتهدین محلاتی در خصوص این دعوت و جریانات مربوط به آن گفته بود:

«ایشان دو سال بعد از هجرت به لبنان سفری به ایران آمد و مدتی میهمان من در شیراز بود. این جا سه شب در مسجد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف منبر رفت. جمعیت فوق العاده‌ای بود. ساواک اول گفته بود ایشان حق ندارد به مسجد شما برود! اما بعد قضیه حل گردید. سخنرانی خیلی جالبی بود» (به نقل از کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۲ / ۶۹).

قسمتی از سخنرانی امام صدر را مأموران ساواک چنین گزارش کرده‌اند:

«دشمنان اسلام از مرزهای کشورهای اسلام گذشته به قلب کشور ما نفوذ نموده و تبلیغات شوم می‌نمایند. شما چرا نشسته‌اید. چرا زن‌ها جلسات دینی ندارند. چرا زن‌ها درس نمی‌خوانند. شما ملت روحانیون را تنها نگذارید بیا باید در خانه علما و رهبران دینی خود جمع شوید و آنان را تنها نگذارید. شخص مسلمان چه به هدف خود برسد و چه نرسد موفق و پیروز است. در راه تبلیغ دین، در راه هدف مقدس مأجور است. وقتی الجزایر قیام مقدس علیه استعمار آغاز کرده بود یک میلیون کشته داد. هزاران زن کشته شدند. همه آنان در پیش خدا ارزش دارند. هدف باید مقدس و عالی باشد شما مردم چرا اقدامی نمی‌کنید ...» (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹: ج ۱ / ۴۷ و ۴۸).

۴-۷. حمایت امام صدر از امام خمینی رحمه الله علیه و انقلاب ایران در دروس

هفتگی

گویا امام صدر در مدت حضور خود در لبنان و حضور در جلسات هفتگی اعضای جنبش امل صحبت‌هایی را دال بر حمایت از امام خمینی رحمه الله علیه داشته است، در این ارتباط حجت الاسلام شیخ ادیب حیدر بیان می‌کند که از امام موسی صدر نیز آثار فیزیکی زیادی بر جای مانده است. آثاری که همه قابل دسترس هستند. دروس هفتگی امام موسی صدر برای کادرهای حرکت امل یک از این آثار است. به این درس‌ها مراجعه کنید. امام صدر در خلال این دروس مکرراً اهمیت انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی رحمه الله علیه را متذکر شدند. حتی در روزهای قبل از اوچ-گیری انقلاب ...، ایشان بحث‌های بسیار مهمی دارند که طی آن‌ها به ارزیابی شخصیت امام خمینی رحمه الله علیه پرداخته‌اند. ایشان امام خمینی رحمه الله علیه را رهبری جهانی می‌دانستند. رهبری که همه باید برای پیوستن به او آماده شوند. این مباحث با صدای خود امام رحمه الله علیه بر روی نوارهای کاست

ضبط شده است و این نوارها هم اکنون در آرشیو اسناد حرکت امل موجود است. بخشی دیگر از این آثار، اسناد و خصوصاً تصاویری هستند که بیانگر عمق روابط امام صدر با بزرگان انقلاب اسلامی، از جمله شهید بهشتی و مرحوم سید احمد خمینی است. مثلاً تصاویری وجود دارد که مرحوم سید احمد خمینی را در کنار دکتر چمران در اردوگاه‌های نظامی شیعیان لبنان نشان می‌دهد. اگر امام صدر در خط انقلاب اسلامی ایران قرار نداشت، چگونه ممکن بود چنین روابط صمیمانه‌ای میان ایشان و رهبران این انقلاب برقرار شود؟ (به نقل از کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۱ / ۲۰۲).

۴-۸. دیدار با شاه ایران جهت آزادی زندانیان سیاسی

امام صدر در زمستان ۱۳۵۰ با درخواست عده‌ای از روحانیون ایرانی در سفری که از لبنان به ایران داشتند مبنی بر دیدار با شاهنشاه ایران جهت آزادی سیاسیون زندانی شده جواب مثبت داده و با شاهنشاه ایران ملاقات می‌کند، بعد از این ملاقات بود که عده‌ای از سیاسیون از جمله هاشمی رفسنجانی از زندان آزاد شدند. در این مورد عده‌ای از در مخالفت وارد شده و ملاقات بین امام صدر و شاهنشاهی ایران را نکوهش می‌کنند. دکتر صادق طباطبایی در این خصوص می‌گوید:

« یکی از ایراداتی که به آقای صدر می‌گرفتند، آن بود که ایشان در بعضی مواقع با دولت ایران مامشات می‌کند! در همین رابطه مسئله‌ی ملاقات با شاه را هم مطرح کردند در حالی که این ملاقات اصلاً به درخواست خود انقلابیون صورت گرفت! آقای صدر از اول هم گفته بودند، من می‌دانم که این ملاقات فایده‌ای ندارد! ایشان جزییات این ملاقات را بعداً برای من تعریف کردند. در این ملاقات امیر اسدالله علم هم حضور داشت. ایشان بلافاصله بعد از ملاقات به علم گفته بودند. این آقا اگر چه قولی داده است، اما به قولش عمل نخواهد کرد! بعد هم وقتی عمل نکرد و خبر اعدام برخی از زندانیان منتشر گردید. از اسدالله علم گلایه کرده و گفته بود، من می‌دانستم که او به حرف‌های خود عمل نخواهد کرد.»

آیت اله موسوی اردبیلی نیز اظهار داشته:

«... اما ملاقاتی که ایشان داشت، آن ملاقات به واسطه‌ی کاری بود که دیگران از ایشان خواسته بودند. دیگران از ایشان خواسته بودند که چنین ملاقاتی صورت گیرد. از ایشان خواسته بودند که برود و مطالبی را از شاه بخواهد. ایشان هم رفته بود و مطالب را مطرح کرده بود شاه هم مطالب ایشان را رد نکرده بود. البته موافقت صریح نکرده بود اما رد هم نکرده بود. متأسفانه بعد از این قضیه به طور غیرمنصفانه‌ای ایشان را در ایران کوبیدند. خیلی در غیاب‌شان از ایشان بدگویی کردند. در حالی که ایشان شخصیت کاملاً شناخته شده‌ای بود. فکرش، طبیعتش، سیرتش، همه معلوم بود ایشان بزرگ شده قم بود و با افکار قم بزرگ شده بود» (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹: ج ۱: ۶۷).

حجت‌الاسلام والمسلمین علی حجتی کرمانی نیز در خصوص این ملاقات چنین می‌گوید:

« ... انصافش این است که این ملاقات با مقدماتی انجام گرفت شهید مطهری و شهید بهشتی خودشان مستقیماً در جریان این ملاقات‌ها بودند. یک عده‌ای را رژیم سابق محکوم به اعدام کرده بود، من یادم هست شهید مطهری به یکی از مراجع آن زمان گفت که آقا: آقای موسی صدر چند روز دیگر وارد ایران می‌شود، آیا نمی‌خواهید ایشان را پیش یکی از مقامات بفرستید که این بچه‌های مردم را نکشند؟ که آن مرجع در پاسخ به شهید مطهری گفت: اجازه بدهید ایشان بیاید و بنیم چه کار می‌شود کرد.

باز یادم هست در منزل شهید بهشتی بودیم، تعدادی از دوستان هم بودند، بهشتی به امام موسی صدر اصرار می‌کردند که شما در این زمینه یک ملاقاتی با شاه بکنید بلکه بتوانید جلوی ریختن خون این بچه‌ها را بگیرید. ایشان به امام موسی صدر اصرار می‌کردند که این ملاقات انجام بگیرد. متأسفانه بعد از این که ملاقات انجام شد، هیچ کس حاضر نشد که بگوید، بابا! این ملاقات با این مقدمات بوده است. من در جریان بودم، امام موسی صدر در منزل برادرشان سید رضا صدر جلوس داشتند، افراد زیادی از روحانی و غیر روحانی، سیاسی و غیرسیاسی به ملاقات ایشان می‌آمدند، و من جمله یک روز عباس مسعودی آمد. آن روزی که عباس مسعودی آمد، وقتی که وی می‌خواست خداحافظی کند و از در بیرون رود، دم در از امام موسی صدر پرسید که شما در این سفر خیال ملاقات دارید یا خیر؟ امام صدر هم در جواب گفتند که فعلاً تصمیمی به ملاقاتی نداریم تا بعد بنیم چه می‌شود. این را من خودم شنیدم چون با آقای صدر تا دم در آمده بودند. یعنی ایشان اصلاً تصمیمی به ملاقات نداشت و صریحاً هم گفت. بعداً هم مقدمات دست به دست هم داد و ایشان را وادار کرد که این ملاقات را انجام دهد ... مخالفین در مورد این ملاقات سرو صدای زیادی کردند. یک روز من خدمتشان رسیدم و در حدود این مخالفت‌ها صحبت کرد، ایشان لبخندی زدند و گفتند: مسئله‌ای نیست، خدا خودش می‌داند که ما از روی چه قصدی این ملاقات را انجام دادیم و امید داریم خداوند به ما اجر دهد ...» (به نقل از خسرو شاهی، ۱۳۸۷: ۳۸۵ و ۳۸۶).

امام صدر با اصرار دوستان از جمله آقایان مطهری و بهشتی با شاهنشاهی ایران ملاقات می‌کند و در این ملاقات در مورد آزادی زندانیان سیاسی که بعضی از آنان به اعدام نیز محکوم شده بودند صحبت‌هایی را انجام داده، شاه ایران در پاسخ جواب روشنی را نداده که آنان آزاد می‌شوند یا نه. بعد از ملاقات نیز امام صدر به اطرافیان گوش زد می‌کند که به قول شاه ایران خوش‌بین نیست. بعد از مدتی عده‌ای از زندانیان از جمله هاشمی رفسنجانی از زندان آزاد می‌شوند و افرادی مانند محمد حنیف نژاد، سعید محسن، ناصر بدیع زادگان و رسول مشکین‌فام به دست رژیم اعدام می‌شوند، امام صدر بلافاصله ناراحتی خود را به اسدالله علم بیان می‌کند.

۴-۹. دیدار با مبارزان مخالف رژیم ایران و پناه دادن به آنان

امام صدر در طول ۱۵ سال مبارزات امام خمینی رحمه الله علیه، لبنان و سوریه را پناهگاه حامیان مبارزات امام خمینی رحمه الله علیه نموده بود، و هرگونه امکاناتی را نیز برای آنان فراهم می‌نمود. حتی نسبت به آن‌هایی که بعدها تحت تأثیر یا سر عرفات واقع شدند و دنبال رو او گشتند و به همین جهت آهنگ ناسازگاری و مخالفت با امام صدر را سردادند، با کمال بردباری، به حمایت‌های بی‌دریغ خود که از روح تعهد و تقوایش سرچشمه می‌گرفت، ادامه داد (اباذری، ۱۳۸۱: ۱۹۹). حجت‌الاسلام شیخ مصطفی مصری در خصوص حمایت امام صدر از مبارزان ایرانی اظهار نموده:

«... ایرانیان زیادی به موسسه جبل عامل می‌آمدند. روحانی و غیر روحانی. منتها ما اغلب آن‌ها را نمی‌شناختیم. زیرا بسیاری از آنان عربی صحبت نمی‌کردند. مهم‌تر از همه آن که به منظور رعایت نکات ایمنی، اصلاً بنا بر آن بود که این افراد شناخته نشود. ... یک بار یک نفر از خلبانان نیروی هوایی ایران به دیدن دکتر چمران آمده بود... ما در دفتر مؤسسه صنعتی جبل عامل بودیم که او وارد شد. جوان رشید، بلند قامت و خوش هیكلی بود و با دکتر به زبان فارسی صحبت می‌کرد. دکتر چمران از من پرسید: که آیا می‌دانی ایشان چه کسی است؟ گفتم نه. دکتر گفت این برادر یکی از خلبانان هواپیمایی اف-۱۴ در نیروی هوایی ایران است. آن زمان فرودگاه فلسطینی‌ها در روستای انصار آماده شده بود. به شوخی به دکتر گفتم، پس بگوئید هواپیمای خودش را بیاورد! فرودگاه ما مجهز و آماده است! دکتر جمله من را برای او ترجمه کرد و هر دو خندیدند» (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۱ / ۲۲۶ و ۲۲۷).

ابو یحیی عضو بخش تشکیلات و مسئول امور نظامی و حرکت امل در زمان امام صدر و رهبر فعلی مقاومت مؤمنه می‌گوید:

«... امام تمام نیازها و مایحتاج مبارزاتی آنان [مبارزین ایرانی] را تأمین می‌کرد. برای آن‌ها فضایی امن جهت فعالیت و تحریک فراهم نمود. برای بسیاری از آن‌ها اجازه اقامت، خروج و سفر گرفت. یعنی آن چه برای ادامه مبارزه بدان نیاز داشتند برایشان فراهم می‌کرد.»

آیت الله العظمی مجدالدین محلاتی نیز اظهار می‌دارد:

«... آقا موسی در دمشق دفتر داشت دفتر خوبی بود و من هم به آن جا رفته بودم. اکثر فراریان ایران آن جا پذیرایی می‌شدند. بخصوص یادم هست که این پسر آقای منتظری که شهید شد، یعنی محمد منتظری، آن جا می‌آمد. تمام مدیریت و کارهای آن جا با دکتر چمران بود...» (کمالیان، رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸، ج ۲ / ۷۱).

امام صدر در دمشق پایتخت سوریه دفتر کاری درست کرده بود و کتابخانه کوچکی هم داشت و غالب ایرانی‌های فراری از ایران را در آن جا نگهداری می‌نمود (خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۳۰۸).

در مجموع می‌توان امام صدر و تشکیلات زیر نظر ایشان را پناهگاهی برای مبارزین ایرانی طی سال‌های مبارزه دانست. برخی از این افراد مانند: جلال الدین فارسی و ... حتی مخالف امام صدر بودند، اما ایشان با بردباری و سعه‌ی صدر فراوان همه مشکلات را حل می‌کردند. همان طور که در مطالب پیشین نقل قول‌هایی از افراد نیز شد، امام صدر به رئیس جمهور وقت سوریه، حافظ اسد، اطلاع داده بود و او نیز به همین اعتبار کمک‌های فراوانی در اختیار مبارزین قرار داده بود.

۴-۱۰. دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه نسبت به امام صدر:

بدون شک به جز رابطه نسبی که بین خاندان صدر و خاندان خمینی به وجود آمده بود، نمی‌توان اعتماد و اطمینان امام خمینی رحمه الله علیه نسبت به این شخصیت را کتمان کرد. به طوری که امام خمینی رحمه الله علیه در مورد امام صدر بیان کرده‌اند: « آقای صدر مردی است که من می‌توانم بگویم او را بزرگ کرده‌ام، او به منزله یک اولاد عزیز است برای من، من امیدوارم که انشاءالله ایشان به سلامت برگردند». علاوه بر این سخنان و وصلت فامیلی، دیالوگی بین امام خمینی رحمه الله علیه و آیت الله ابطحی اصفهانی رد و بدل گردیده که ذکر این مسئله بسیار مهم می‌باشد. آیت الله سیدمحمد ابطحی نقل می‌کند:

« روزی در نجف به حضرت امام خمینی عرض کردم آقا! فرض کنیم که انشاءالله بر طاغوت ایران غلبه کردی و سرنگون شد، آیا کسی را داری به‌جای آن در رأس امور کشور بگذاری و او هم بتواند به خوبی از عهده اداره کشور برآید؟ دیدم ایشان نظر به آقا موسی دارند و فرمودند: آقا موسی رفیق خودت. بعد گفتم: آقا موسی دیگر لبنانی شده است و لبنانی‌ها وی را رها نمی‌کنند. ایشان فرمودند: این‌ها سهل است درست می‌شود» (به نقل از اباذری، ۱۳۸۱: ۱۱۶ و ۱۱۷).

۴-۱۱. تقاضای امام صدر از جمالزاده برای کمک به امام خمینی رحمه الله علیه

از دیگر اقداماتی که امام موسی صدر در جهت حمایت از امام خمینی رحمه الله علیه و انقلاب اسلامی ایران نمود تقاضای وی از عموزاده‌ی خود سیدمحمدعلی جمالزاده از نویسندگان بزرگ و نامی ایران در جهت کمک به امام خمینی رحمه الله علیه می‌باشد. سیدمحمدعلی جمالزاده در این خصوص بیان می‌کند:

«قبل از انقلاب یک روز [موسی صدر] بهم تلفن زد:

- من صدرم؛ پسر عمومی تو! تازه از لبنان آمده‌ام این جا!

- آدرسش را داد و یک تاکسی گرفت و آمد. با لباس و عمامه، در کسوت روحانی. فرانسه را

خوب حرف می‌زد. همین که رسید، بهم گفت: «خیلی انسانیت کردی».

- با هم رفتیم بیرون. نهار خوردیم، بعد گفت: جمالزاده! [سیدمحمدعلی جمالزاده] اسم آقای خمینی را شنیدی؟
- بله ولی خیلی کم. شنیدم از ایران رفته کربلا، و حال هم در نجف زندگی می‌کند.
- من آدمم که تو را ببرم پیش آقای خمینی!
- من چه کمکی می‌توانم به او برسانم؟
- الان آقای خمینی، نوار پر می‌کند و می‌فرستد ایران. می‌تواند از تو، که خوب حرف می‌زنی و خوب حکایت می‌کنی، استفاده کند! قبول؟
- حالم خوب نبود. سن ام بالا بود و حوصله‌ی مشغله نداشتیم. بهانه آوردم:
- من با این حال و روزگار نیاز به پرستاری دارم، از طرفی چطور زخم را این جا تنها بگذارم؟» (به نقل از صادقی، ۱۳۹۰: ۶۴).

۵. نقش امام موسی صدر در سطح بین‌المللی

امام موسی صدر نه تنها در سطح منطقه خدماتی برای پیشبرد انقلاب ایران انجام داده بود، بلکه در سطح بین‌المللی نیز فعالیت‌های قابل توجه‌ای را دنبال می‌کرد. او در تلاش بود تا ضمن آن‌که توجه جامعه‌ی جهانی را به انقلاب اسلامی معطوف دارد، برخی از محافل را نیز در جهت خدمت به انقلاب اسلامی به‌کار گیرد. در مباحث زیر به برخی از این‌گونه تلاش‌ها اشاره خواهد شد.

۵-۱. اعزام خبرنگار روزنامه‌ی لوموند فرانسه نزد امام خمینی رحمه الله علیه برای

مصاحبه با وی

در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ امام صدر «لوسین جرج» خبرنگار روزنامه‌ی لوموند فرانسه را که قبلاً در حضور امام صدر مسلمان و شیعه شده بود و با یک خانم شیعه‌ی لبنانی ازدواج کرده بوده با هماهنگی با بیت امام خمینی رحمه الله علیه به نجف فرستاده تا مصاحبه‌ی تاریخی خود را با امام خمینی رحمه الله علیه انجام دهد. این نخستین مصاحبه‌ی امام خمینی رحمه الله علیه با روزنامه‌های خارجی بود که با تدبیر امام صدر صورت گرفت (کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۴۲).

امام موسی صدر این خبرنگار را با سؤالات از قبل تنظیم شده و مورد نیاز آن روز انقلاب به-عنوان یک شهروند عادی لبنانی همراه آقای قطب‌زاده عازم عراق کرد و روز ۱۳۵۷/۲/۱۶ با امام خمینی رحمه الله علیه دیدار و بدون این‌که مأمورین عراقی خبردار شوند، مصاحبه‌ی تاریخی و دارای محتوای اساسی را با وی انجام داده و به لبنان بازگشت. این مصاحبه بدون سانسور به‌صورت کامل در کشور فرانسه به چاپ رسید و تأثیر بسزایی در روند رشد و بالندگی انقلاب گذاشت (اباذری، ۱۳۸۱: ۲۱۲ و ۲۱۳).

۲-۵. مصاحبه امام صدر با روزنامه لوموند فرانسه

بعد از محصور کردن منزل امام خمینی رحمه الله علیه در عراق، امام صدر با روزنامه‌ی لوموند مصاحبه‌ای انجام می‌دهد و خاطر نشان می‌کند که دولت عراق در خدمت شاه و کسانی است که ضد مردم ایران حکومت می‌کنند. در همین مصاحبه ایشان ضمن توصیف مردمی بودن و اسلامی بودن قیام استقلال طلبانه و آزادی خواهانه ملت ایران، سران عرب و کشورهای اسلامی را مخاطب قرار داده و می‌گوید:

«اگر در مبارزات خود علیه رژیم اشغالگر قدس صداقت دارید و اسرائیل را غده‌ی سرطانی در قلب جهان اسلام می‌دانید، از ایشان دعوت کنید. بدون تردید حضور ایشان در کشورهای شما پایگاه مؤثر و مستحکمی علیه اسرائیل خواهد داشت» (طباطبایی، ۱۳۹۲: ج ۳ / ۵).

۳-۵. تلگراف به سفیر ایران در لبنان و حمایت از حرکت مردم ایران در سال

۱۳۴۲

همان طوری که در مطالب پیشین ذکر آن رفت، شروع نهضت امام خمینی رحمه الله علیه سال ۱۳۴۲ بوده است. در این سال در ایران رژیم ایران نسبت به تحركات مردم از قوه‌ی قهریه استفاده نمود، به طوری که انعکاس اخبار این وقایع به کشورهای دیگر نیز تسری یافت، از جمله کشورهای خارجی که از اخبار این تحركات اطلاع یافت، لبنان بود. به همین دلیل روحانیون لبنانی اعتراضاتی را نسبت به این اقدامات انجام دادند. از جمله اعتراضات روحانیون لبنانی بیانیه‌ها و تلگراف‌هایی بود که به سفیر وقت ایران در لبنان (علی دشتی) مخابره تا از طریق وی به اطلاع شاه برسانند. یکی از این تلگراف‌ها به شرح ذیل است:

«ما علمای شیعه لبنان از باب پذیرفتن ندای خدای تعالی و هم آوازی با علمای نجف اشرف و سایر علمای اقطار اسلامی، از روش شما در برابر علما و وعاظ در ایران و اعمالی که کرامت و حیثیت آنان را مخدوش ساخته است، اظهار نارضایتی می‌کنیم و هر اقدامی که این طرح‌های مخالف مذهب را متوقف سازد مورد تأیید قرار می‌دهیم.»

ذیل تلگراف فوق را روحانیون بزرگی از کشور لبنان امضاء نموده که در بین امضاء کنندگان نام امام موسی صدر نیز به چشم می‌خورد (شهبازی، ۱۳۸۵: ۱۰۸ و ۱۰۹).

۴-۵. دیدار با پاپ جهت آزادی امام خمینی رحمه الله علیه

بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، امام خمینی رحمه الله علیه دستگیر شد، هم‌زمان با این اتفاق، امام موسی صدر در تیرماه ۱۳۴۲ به رم مسافرت و با وزیر امور خارجه پاپ در واتیکان دیدار نمود تا این

موضوع را با رهبران جهان مسیحیت در میان بگذارد. در این دیدار وزیر امور خارجه پاپ، با اشاره به موضوع انجمن‌های ایالتی ولایتی و اصلاحات ارضی شاه، روحانیون ایران را به مخالفت با هرگونه مظاهر پیشرفت متهم ساخت و از رژیم شاه جانبداری نمود و گفت: «شاه تلاش می‌کند کشور را به سوی پیشرفت و آبادانی سوق دهد، ولی روحانیون ایران با آن مخالف‌اند.» در این هنگام امام موسی صدر، ضمن تکذیب این اتهام در جواب او چنین بیان داشت: «... روحانیون بزرگ با اصلاحات مخالفت اصولی ندارند و فقط خواسته‌اند در نحوه اجرا نظریاتی اظهار دارند. چون ایران کشور آزادی بود و روحانیون همیشه بدین نحوه عمل نموده‌اند. ولی با کمال تأسف عده‌ای ماجراجوی عوام فریب، این اظهار عقیده را به صورت زشتی درآورده‌اند و علمای بزرگ وقتی که این وضع را دیدند آرام شده و در حال حاضر اعتراض ندارند ...» (اباذری، ۱۳۸۱: ۱۹۳ و ۱۹۴).

در مورد آزادی امام خمینی رحمه الله علیه در سال ۱۳۴۲ جمله آیت الله خویی قابل تأمل می‌باشد. وی در مورد آزادی امام خمینی رحمه الله علیه در همان دوران گوشزد نمودند: «آزادی امام خمینی از زندان، بیش از هرچیز مرهون این سفر آقای موسی صدر بوده است (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۱: ۳۶).

بعد از سخنرانی امام خمینی رحمه الله علیه در سال ۱۳۴۲ در مخالفت با قرارداد کاپیتولاسیون، و تبعید وی به ترکیه، امام صدر طی تماس‌های سیاسی با شخصیت‌های مختلف مسیحی و اهل سنت در اروپا و شمال آفریقا جهت تأمین امنیت امام خمینی رحمه الله علیه در ترکیه و انتقال وی به نجف کوشید (اباذری، ۱۳۸۱: ۱۹۴). در این خصوص خانم رباب صدر بیان می‌کنند:

«امام خمینی در ترکیه بودند. وضعیت خیلی بحرانی بود. همه نگران بودند. آقای صدر مطلع شدند و به واتیکان رفتند. ملاقات با پاپ خیلی سخت بود. گویا اول به ایشان یک ربع یا بیست دقیقه وقت داده بودند. اما وقتی پاپ با ایشان روبرو شد، زمان ملاقات به دو ساعت تبدیل شد. آقای صدر برای پاپ قضایای ایران و موقعیت امام خمینی را به طور کامل شرح دادند. همین باعث شد که پاپ اقدام کرد. یک اعتراض جهانی و بین‌المللی به وجود آمد. پس از آن امام خمینی از ترکیه به عراق آمدند و در آنجا زندگی راحتی داشتند. متأسفانه این مسائل را بسیاری از آقایان می‌دانند، اما نمی‌گویند» (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۲ / ۸۴).

۵-۵. دیدار با ولیعهد عربستان و سران جهان عرب جهت حمایت از انقلاب

اسلامی ایران

امام صدر در جریان سفرهای منطقه‌ای که به کشورهای اسلامی و منطقه داشتند، به دنبال تبلیغ و ترویج وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله علیه بودند. امام صدر در سفری که به عربستان در ایام بحرانی انقلاب صورت پذیرفت در نشست یک ساعته‌ای که با امیر عبدالله ولیعهد عربستان داشت و آقای محسن دلول وزیر دفاع اسبق لبنان هم در آن حاضر بود، تنها ۱۰ تا

۱۵ دقیقه مسائل لبنان پرداخت و بقیه‌ی ۴۵ تا ۵۰ دقیقه را به تعیین اهمیت و جایگاه انقلاب اسلامی در منطقه و جهان اختصاص داد اگر چه هدف اصلی از این سفر تبادل نظر پیرامون مسائل جنوب لبنان بود وی در بخشی از سخنان خود خطاب به امیر عبدالله چنین گفت:

«... در ایران انقلابی در شرف وقوع است! این انقلاب را مرجعی رهبری می‌کند که نامش آیت الله خمینی است. این انقلاب، اسلامی است، نه طائفی و نه قومی، نه شیعی است و نه ایرانی. انقلابی است اسلامی که برای مسلمین جهان خیر و برکت به همراه دارد. پیروزی این انقلاب قریب الوقوع است و زمان زیادی نخواهد برد. از هم اکنون به شما سفارش می‌کنیم بر شماست که با آن رابطه‌ای سازنده و حسنه داشته باشید، فریب دسیسه‌های آمریکا را نخورید و در دام اختلافات واقع نشوید...» (اباذری، ۱۳۸۱: ۲۱۰ و ۲۱۱).

۵-۶. سخنرانی در مراسم فوت دکتر شریعتی و برپایی مراسم ختم برای وی

دکتر شریعتی بعد از این که مشاهده کرد که در داخل ایران فضا برای فعالیت سیاسی وجود ندارد به اروپا مهاجرت نمود. در دوران مهاجرت دکتر شریعتی، امام صدر با وی دیداری داشته است. امام صدر تلاش داشت حسینه ارشاد در تبعید را به وجود آورد. دکتر شریعتی در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۶ با گذرنامه و مشخصاتی با نام علی مزینانی از طریق فرودگاه مهرآباد از ایران خارج شد و به بلژیک رفت. در بین راه مدتی در هتل بین المللی بروکسل اقامت کرد سپس به لندن رفت. در طول این مدت سفری به فرانسه داشت، وی به امید دیدار همسر و فرزندان که قرار بود به او بپیوندند، روز شماری می‌کرد. ساواک از خروج پوران و مونا جلوگیری به عمل آورد ولی اجازه خروج دو دختر کوچک علی شریعتی یعنی سوسن و سارا را صادر کردند. سوسن و سارا به پدر پیوستند ولی مونا و پوران خیر، بعد از بازگشت از فرودگاه به منزل، علی شریعتی به اتاق می‌رود و آخرین ساعات عمر خود را در اتاق می‌گذرانند. و فردای آن شب یعنی ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ فوت می‌کند. پزشکان بدون نیاز به کالبد شکافی علت مرگ را «انسداد شرایین و نرسیدن خون به قلب» اعلام می‌کنند (کامور، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۱).

بعد از برنامه‌ریزی‌های فراوان در انتها نتیجه این شد که جسد دکتر شریعتی را در دمشق به خاک بسپارند و همان طور نیز شد. و با رایزنی‌های امام صدر در دمشق با حافظ اسد رئیس جمهور کشور سوریه تحقق یافت. دکتر سید صادق طباطبایی در این خصوص می‌گوید:

«... پس از تشییع جنازه، آن را به فرودگاه منتقل کردیم آقای قطب‌زاده و دیگر برادران رفتند و جنازه را به شرکت هواپیمایی سوریه تحول دادند. ... اواخر شب بود که پرواز انجام شد و ما نزدیک اذان صبح به دمشق رسیدیم. آقای صدر و دکتر چمران و عده‌ای دیگر برای استقبال آمده بودند. آقای دعایی از عراق آمده بود، چند نفر از برادران روحانیت مبارز خارج از کشور و عده‌ای از ایرانیان مقیم سوریه هم بودند ... آقای صدر گفتند در زینبیه قبر آماده شده، پس از دفن مراسم

کوچکی برگزار می‌کنیم و همه به اتفاق می‌رویم بیروت. تعدادی هم اتومبیل آورده بودند، یک آمبولانس کوچک با نوار قرآن آماده شده بود ... جنازه را حرکت دادیم و تشییع کردیم و در حرم حضرت زینب سلام الله علیها طواف کردیم، نماز به امامت امام موسی صدر خوانده شد، پس از آن جنازه را به سوی قبری که آماده شده بود با تشریفات روحی عاطفی خاصی حرکت دادیم و دفن کردیم ... در سر مزار شریعتی، دکتر چمران با احساس فراوان قطعه‌ای نوشته بود که قرائت کرد ...

بعد از دفن دکتر علی شریعتی در زینبیه دمشق وی و افرادی که در این مراسم شرکت کرده بودند عازم بیروت شدند تا مراسم هفت و چهلم را در آنجا برگزار کنند. تبلیغات منفی علیه امام صدر زیاد بود. از این بین عده ای روحانی نیز به چشم می‌خورد که مخالف برگزاری مراسم هفت و چهلم توسط امام صدر در لبنان بودند. امام صدر در جواب این افراد پاسخ داده بود: من معتقد نیستم که هر چه دکتر شریعتی گفته صد در صد درست است. هر کسی به میزانی که تلاشش زیاد است، امکان خطا و اشتباهش هم وجود دارد، اما این جور هم نیست که تخطئه بکنم فکر و اندیشه ای را که به این خوبی و زیبایی موفق شده مذهب را به دانشگاه ببرد و یک روشنگری فرهنگی انجام بدهد و اگر شما این سیطره عظیمی که در دل و مغز و اندیشه و روح جوانان پیدا کرده بخواهید بگیرید چه چیزی می‌خواهید به جایش بگذارید؟» (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱ / ۱۴۲-۱۱۴).

حجت السلام و المسلمین شیخ مصطفی مصری در این خصوص بیان می‌کند:

«... اولین اقدام علنی و تبلیغاتی برای معرفی انقلاب اسلامی ایران به مردم لبنان، توسط امام موسی صدر انجام شد. اینکار در مراسم اربعین دکتر شریعتی در بیروت صورت گرفت. اولین باری که تصاویر امام خمینی به شکل گسترده در میان شیعیان لبنان پخش شد، در مراسم اربعین دکتر شریعتی در بیروت بود. یادم هست که در زیر تصاویر امام خمینی به دو زبان عربی و انگلیسی چنین نوشته شده بود: [الامام سید روح الله الموسوی الخمینی، المرجع الشیعه فی العالم، ضحیه التحاف الامریکی - الایرانی - الصهیونی!] این کار بعد از شهادت حاج آقای مصطفی خمینی نیز تکرار گردید ... حرکت امل پوسترها را چاپ و ما آن را در میان حضار توزیع کردیم ... در جریان مراسم بزرگداشت دکتر شریعتی، فشارهای بی حد و حصری برایشان وارد آمد. اول بنا بود که این مراسم در سالن یونسکو بیروت برگزار شود. اما فشارهای زیادی از سوی سفارت ایران بر دولت لبنان وارد آمد تا این مراسم در آنجا برگزار نشود. به همین جهت و در آخرین لحظات، محل مراسم به مؤسسه عاملیه منتقل گردید. یادم هست که به رغم این تغییر محل، موج اعتراضات ادامه یافتند. فضا به قدری مسموم شده بود که حتی مسئولین مؤسسه عاملیه هم تحت تأثیر قرار گرفتند. آن‌ها یک روز بعد از برپایی مراسم، طی اعلامیه‌ای عدم مسئولیت و رضایت خود را اعلان کردند!» (به نقل از کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸: ج ۱ / ۲۲۵ و ۲۲۶).

امام موسی صدر در این مراسم از فرصت بهره خوبی برده و وقوع انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن را، این بار به شکل رسمی و صریح برای حاضران شناساند و مجلس ترحیم فوق را به کانون آتشین انقلاب بر ضد رژیم شاه مبدل ساخت. به دستور وی برای اولین بار عکس‌های امام

خمینی ^{رحمه الله علیه} توسط نیروهای حرکت امل چاپ و تکثیر شد و در مراسم ختم دکتر شریعتی توزیع شد. به دنبال این تحرکات در لبنان بود که منصور قدر سفیر وقت ایران در لبنان، گزارشی مفصل از فعالیت امام صدر را به رئیس دفتر مخصوص شاه ارسال می‌دارد (اباذری، ۱۳۸۱: ۲۰۵ و ۲۰۶). راجع به توزیع عکس امام خمینی ^{رحمه الله علیه} در مراسم دکتر شریعتی، سید ابوالفضل موسوی اظهار می‌دارد:

«من بارها شاهد بودم که امام صدر از شخصیت امام خمینی تجلیل کردند. من تصویری از امام خمینی دارم که خیلی هم قدیمی است. این تصویر را به دستور امام صدر، در مراسم اربعین دکتر شریعتی میان حاضرین توزیع کردیم. همان طور که تصریح کردم، عامل آشنایی ما شیعیان لبنان با امام خمینی، تنها امام صدر بود؛ و آغاز این آشنایی، به مراسم بزرگداشت اربعین دکتر علی شریعتی، که توسط امام صدر برگزار شد، بر می‌گردد. ...» (به نقل از کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۱۳).

هدف از بازگو کردن مطالبی که در این بخش ذکر آن رفت فقط این بود که امام صدر با توجه به اینکه دستور چاپ و توزیع عکس امام خمینی ^{رحمه الله علیه} و ذکر این جمله که امام ^{رحمه الله علیه}، مرجع شیعیان جهان می‌باشد هیچ مشکلی با امام خمینی ^{رحمه الله علیه} و فعالیت‌های انقلاب وی نداشته است و روایت فوق خود جوابی مستند است به مطالبی که برخی از افراد در خصوص ایشان داشته و امام صدر را فردی می‌دانستند که سعی در جلوگیری از مرجعیت جهانی امام خمینی ^{رحمه الله علیه} داشته است.

۷-۵. درخواست امام صدر از شهید سیدمحمدباقر صدر برای حمایت از امام

خمینی در عراق

امام صدر در صدد این بود تا روابط امام خمینی ^{رحمه الله علیه} با سیدمحمدباقر صدر را نزدیک کند و هم چنین از پسرعموی خود درخواست می‌کند تا به امام خمینی ^{رحمه الله علیه} در عراق کمک نماید. در این مورد حجت الاسلام والمسلمین نعمانی بیان نموده‌اند:

«... آقای موسی صدر اصرار داشت تا مواضع شهید صدر در قبال آقای خمینی همواره مثبت باشد. آقای موسی صدر اعتقاد داشت که حوزه‌ی نجف باید مبارزه آقای خمینی علیه رژیم شاه را تأیید، حمایت و پشتیبانی کند... شهید صدر مکرراً از امام خمینی دیدن کرد. موسی صدر از شهید صدر خواستند تا از حرکت آقای خمینی حمایت و پشتیبانی کند. شهید صدر هم سخن ایشان را تأیید و تأکید کردند که خود نیز همان نظر را دارند. گفتند شرایط را بررسی خواهند کرد تا به نحو مناسب از مبارزات آقای خمینی حمایت کنند. ...» (به نقل از کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸، ج ۲/ ۱۸۲ و ۱۸۳).

درخواست امام صدر از شهید سید محمد باقر صدر در خصوص حمایت از امام خمینی ^{رحمه الله علیه} با شهادت آقای مصطفی خمینی بیش از پیش پیگیری می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

در جریان انقلاب اسلامی، تلاش‌های بسیار زیادی از سوی نهادها و گروه‌های مردمی و اسلامی و شخصیت‌های مهم مذهبی انجام می‌گرفت. در این نوشتار، عملکرد و نقش یکی از شخصیت‌ها که به لحاظ اجتماعی و سیاسی موقعیت خاصی نزد شیعیان داشته، مورد مطالعه قرار گرفت.

امام موسی صدر به‌عنوان یک روحانی شیعه و فعال مذهبی در جامعه لبنان، موقعیت قابل توجهی در جریان انقلاب اسلامی داشته است. تلاش‌های منطقه‌ای و جهانی وی به دلیل موقعیت برجسته‌اش در حدی بود که با بکارگیری ابزارهای اعمال نفوذ، روند شکل‌گیری انقلاب را تسهیل و موانع را کوتاه یا کنار زده بود. برای نمونه، وی از طریق مصاحبه با روزنامه‌ی لبنانی المحرر، نقش مهمی در معرفی انقلاب به کشورهای منطقه ایفا کرده بود و همچنین با ایراد سخنرانی و حمایت از انقلاب در هنگام تدریس، فضای حمایتی از انقلاب اسلامی را در نزد پیروان خود گسترده‌تر کرده بود و حتی در همین راستا، با مقامات مذهبی که دارای شهرت جهانی بودند، برای حمایت از انقلاب دیدار و گفتگو داشت.

تلاش‌های نانوشته‌ی وی در این نوشتار کمکی است برای آشنایی وسیع‌تر با نقش و نیروهای که در جهت انقلاب اسلامی کوشا بوده‌اند. علاوه بر این، می‌توان انتظار داشت تا گسترده‌گی انقلاب اسلامی را در نقاط دورتر و در سطح منطقه‌ای و جهانی مورد توجه قرار داد و نیروهای مؤثر را شناسایی کرد و مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

منابع

- اباذری، عبدالرحیم (۱۳۸۱). **امام موسی صدر امید محرومان**. تهران: انتشارات جوانه رشد.
- بی نا (۱۳۷۸). **مجله ترجمان**، سال اول، شماره دوم.
- حق شناس کمیاب، علی (۱۳۸۸). **ساختار سیاسی اجتماعی لبنان و تأثیر آن بر پیدایش جنبش امل**. تهران: نشر سنا.
- خسروشاهی، هادی (۱۳۷۵). **امام موسی صدر**. قم: نشر مرکز بررسی‌های اسلامی.
- (۱۳۸۷). **یادنامه امام موسی صدر**. تهران: نشر مؤسسه تحقیقاتی امام موسی صدر.
- رابرت، دال و بریکتر، بروس استاین (۱۳۹۲). **تحلیل سیاسی مدرن**. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر فرهنگ جاوید.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۵). **زندگی و زمانه علی دشتی**. شیراز: انتشارات مؤسسه فرهنگی و پژوهشی دانشنامه فارس.
- طباطبایی، صادق (۱۳۸۸). **خاطرات سیاسی اجتماعی**. ج ۳ - ۱، تهران: انتشارات مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- کامور، جواد (۱۳۸۴). **قصه زندگی و مرگ علی شریعتی**. تهران: نشر به آفرین.
- کمالیان، محسن و رنجبر کرمانی، علی اکبر (۱۳۸۸). **عزت شیعه**. ج ۱ و ۲، تهران: نشر مؤلف.
- کمالیان، محسن (۱۳۸۸). **فریاد در خاموشی**. تهران: نشر مؤلف.
- کمسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). **گزارش کمیته پیگیری سرنوشت امام موسی صدر**. تهران: انتشارات کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی.
- محمد، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۳). **نگاهی به روند شکل‌گیری جنبش امل و حزب الله در لبنان**. تهران: نشر مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۹). **یاران امام به روایت اسناد ساواک: امام موسی صدر**. ج ۱، تهران: انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- مصاحبه امام موسی صدر با روزنامه المحرر (۱۳۸۷). «روحانیت در پی اصلاح سیاسی اجتماعی است»، **کتاب ماه تاریخی فرهنگی یادآور**، دوره اول، شماره ۵ و ۴.
- مصاحبه دکتر صادق طباطبایی (۳۷۷). **فصلنامه مفید**، شماره شانزدهم.
- هاشمی، عبادالله (۱۳۹۷). **امام گفتگو، صلح، مدارا**. تهران: انتشارات اطلاعات.
- Thorlindsson, Thorolfur, Book Review (1982). eeee rrrrr r c ccccccati,,,,, ,tttt itiss nnV Vaaaii or""", by B.J.Biddle, Acta sociologica , Sage Publication , Ltd. Vol. 25.
- B.J.Biddle(1986). cccc ttt Dvlll mmttt iR Role Teoryl llllll l vvioo o f Sociology , Annual Review Publication , Vol .12.

پیشکش گاہ علوم انسانی و وظائف اسلامی
ریٹیل جلائع علوم انسانی